

## مفهوم‌شناسی و کارکردهای هنجار<sup>۱</sup>

فریبرز باقری<sup>۲</sup>

### چکیده

هنجارها در حیات انسان، نقشی بیش از تصویری ایفا می‌کنند که در چارچوب دروس تخصصی روانشناسی بالینی، علوم تربیتی و در نظریه‌های جامعه‌شناختی ترسیم می‌شود. دامنه تأثیر هنجارها به گستردگی تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد است. شناسایی هنجارهای موجود در جامعه و زندگی افراد، بررسی نحوه تأثیر آن‌ها در هدایت افعال فردی و اجتماعی، و آسیب‌شناسی هنجارها، به‌ویژه با توجه به تسلط روزافزون رسانه‌ها و وابستگی علمی جامعه ایران به غرب، به ضرورتی جدی تبدیل شده است. برآوردن این ضرورت، در ابتدا، نیازمند بررسی و فهم اصطلاح هنجار و کارکردهای آن برای زندگی انسان است. از این‌رو، در این مقاله ابتدا اصطلاح هنجار به لحاظ مفهوم‌شناسی بررسی شده است. سپس، با تکیه بر اصول حاکم بر فرایند ادراک، مدل نظری کارکردهای سه‌گانه هنجار برای افعال انسان ارائه شده است. در پایان، براساس این مدل، چگونگی شکل‌گیری مفاهیم نابهنجاری و بهنجاری، اعتبار هنجارها و آشکال مختلف آسیب هنجارها شرح داده شده است. تأمل در مدل چگونگی شکل‌گیری مفاهیم نابهنجاری و بهنجاری نشان می‌دهد که آسیب هنجارها به سه طریق اساسی سقوط اعتبار هنجارها، ایجاد تردید درباره اعتبار هنجارها به‌عنوان ابزار قدرت به‌منظور هدایت و مهار انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی، و همچنین حضور هم‌زمان هنجارهای متناقض در اذهان و افعال افراد صورت می‌گیرد.

### واژگان کلیدی

هنجار، ادراک، بهنجاری، نابهنجاری

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۲/۶؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱

F.Bagheri@srbiau.ac.ir

۲- استادیار گروه روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

## مقدمه

بهنجاری و نابهنجاری از مضامین رایج مورد بحث حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی است. اما در تحلیل‌های علمی به هنجارهایی که مبنای تمایز بهنجار و نابهنجار است کمتر توجه می‌شود. این در حالی است که فهم بهتر بهنجارها و نابهنجارهای افراد و جوامع، و آسیب‌شناسی نحوه تأثیر آن‌ها در زندگی انسان‌ها به تحلیل و درک دقیق مفهومی به نام هنجار، کارکرد آن برای افعال انسان و شناسایی هنجارهای موجود در جوامع مختلف نیاز دارد.

با این‌که واژه هنجار در زبان و فرهنگ‌های گوناگون مفاهیم متفاوتی به خود می‌گیرد وجه اشتراک قابل تأملی بین آن‌ها نیز به چشم می‌خورد. این واژه در زبان فارسی دو معنای نزدیک به هم دارد: ۱- راه، روش، طریق، قاعده و قانون؛ ۲- جاده و راه راست. بیتی از نظامی به‌خوبی بیانگر این معناست: مرغی که نه اوج خویش گیرد/ هنجار هلاک پیش گیرد (دهخدا، ۱۳۷۷).

معادل کلمه هنجار در زبان انگلیسی واژه *norm* از ریشه یونانی *norma* و در اصل به معنای گونیا، ریسمان شاغول و یا ریسمان کار است که بناها، درودگران و باغبانان برای هدایت سیر کار خود به کار می‌برند و نزدیک‌ترین معنای کلی آن «قاعده، مقیاس و معیار»<sup>۱</sup> است (زندکولر، ۲۰۱۰، ۲۷۱۹). این واژه در حوزه‌های مختلف و هر بار با مفهومی نسبتاً متفاوت به کار گرفته می‌شود: ۱- در صنعت و اقتصاد این واژه دلالت دارد بر «مقیاسی»<sup>۲</sup> که بر مبنای آن یکسان‌سازی فرایند تولید، محصولات، فرآورده‌ها، قطعات و استانداردهای امنیتی انجام می‌شود. ۲- هنجار در علوم طبیعی به معنای «واحدی»<sup>۳</sup> است که مبنای تمامی اندازه‌گیری‌ها قرار می‌گیرد (همان، ۲۰۱۳، ۳). در جامعه‌شناسی و به عقیده اغلب صاحب‌نظران، همانند دورکهایم، سیمل، وبر، پرسون و لومن،<sup>۴</sup> هنجار به معنای «الگویی از انتظارات عمومی رفتار»<sup>۵</sup> در متن‌های خاص و برخاسته از نظام ارزش‌های گروه است. در نظریه‌های عمل<sup>۶</sup> نیز هنجار به معنای «قواعد هدایت رفتار» به‌کار می‌رود؛ بدین معنا که هر درخواست و مطالبه تلویحی یا تصریحی در قالب امر، نهی و مجوزها هنجاری می‌سازد که فرایند عمل براساس آن هدایت

۱- وسیله‌ای که بدان چیز دیگر را بسنجند و برابر کنند، ترازو، پیمان و سنگ محک معیار هستند (دهخدا، ۱۳۷۷)

2-sandkuehler,hans joerg

3- standard

4- measure

5- durkheim, simmel, max weber, parsons & luhmann

6- muster generalisierter Erwartungen

7- handlungstheorien (action theories)

می‌شود. انتظارات یا قواعد هدایت‌گر رفتار به دو گروه رسمی<sup>۱</sup> (عهدنامه‌ها و بندهای کتبی) و غیررسمی<sup>۲</sup> (میتاق‌ها، آداب و نقش‌های اجتماعی) تقسیم می‌شود و رعایت‌نکردن آن‌ها سرزنش، انتقاد، نارضایتی، اعتراض، انزوا و محکومیت را در پی خواهد داشت (رفوس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳، ۴۹۹). ۴- در برخی رویکردهای فلسفه عملی<sup>۴</sup> هنجار به معنای یک «حکم ارزشی»<sup>۵</sup> است. ۵- در حقوق، هنجار معادل «قانون یا قواعد» الزامی رفتار و عمل بکار می‌رود. ۶- و در حیطه اخلاق، هنجار به دو معنای الف: «دستورالعمل‌های» رفتاری (بایدها و نبایدها) و ب: «اهداف و الگوهای آرمانی قواعد رفتاری» استفاده می‌شود (زوست<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰، ۱۳۱۹).

## ۱- کارکردهای سه‌گانه هنجار بر مبنای ویژگی‌های ادراک انسان

تفکر درباره معانی واژه هنجار در زبان فارسی و مفاهیم متفاوت واژه نُرْم<sup>۷</sup> در زبان انگلیسی ما را متوجه کارکردهای هنجار در «حیات» انسان یعنی «عمل و تحول» او و ارتباط این کارکردها با ویژگی‌های ادراک و عمل انسان در عرصه‌های مختلف می‌کند.

در درجه نخست، مفاهیم مختلف واژه هنجار نشان می‌دهد که در هر وضعیتی که فرد قرار می‌گیرد یا فعلی را انجام می‌دهد وجود یک معیار ضروری است برای ۱- درک و ارزیابی وضعیت و یا عمل فعلی فرد و سیر تحول آن‌ها و ۲- تشخیص میزان انحراف او نسبت به آن مقیاس و معیار (هنجار). به عبارتی، درک وضعیت، عمل فعلی و تشخیص این‌که آیا سیر آن‌ها دچار انحراف شده است یا خیر، همواره مستلزم وجود یک معیار است. فقدان هنجار و معیار موجب انحراف فرد نمی‌شود، بلکه دیگر نمی‌داند در کجا و چه وضعیتی قرار دارد و آیا عمل یا تحول او در مسیر صحیح یا اساساً در یک مسیر خاص و دلخواه قرار دارد یا نه. همانند وضعیت یک فرد در شبی ابری در دریا و صحرا، و تلاش او برای رسیدن به یک آبادی یا شهر. بدون وجود یک هنجار (معیار، مقیاس)، این‌که چه چیز صحیح و چه چیز غلط است و تفاوت هدایت و انحراف اساساً رنگ می‌بازد. فرقی نمی‌کند که عمل مورد نظر سفر به مکانی خاص (راه)، بناکردن یک دیوار (شاغول)، تعیین وزن یک کالا (سنگ کیلوگرم)، تشخیص عیار

1- formal

2- informal

3- rehfus, Wulff

4- practical philosophy

5- value judgment

6- sohst, Wolfgang

7- norm

(سنگ محک)، راندگی در یک بزرگراه (خطوط سفید در سطح بزرگراه)، حرکت در صحرا یا دریا (ستارگان، کوهها، قطب‌های مغناطیسی زمین)، تربیت فرزندان (الگوها)، ارتباطات اجتماعی (قوانین و باید و نبایدهای اخلاقی) یا سیر تحول فردی و فرهنگی یک ملت در طول زمان (آرمان‌های ملی یا دینی) باشد. در همه این موارد، معیار (هنجار) در قالب‌های مختلف، نقش «مرجع»<sup>۱</sup> برای ارزیابی وضعیت، عمل، سیر تحول آن‌ها و همچنین تشخیص میزان انحراف را ایفا می‌کند و وجود آن الزامی است.

با تکیه بر اطلاعات موجود درباره ویژگی‌های «احساس و ادراک»<sup>۲</sup> انسان، می‌توان گفت که نیاز به وجود معیار و مرجع برای ادراک، ارزیابی و تشخیص انحراف محصول یکی از بارزترین ویژگی‌های ادراک انسان است. از ویژگی‌های مهم ادراک<sup>۳</sup> که تمامی نظریه‌پردازان درباره آن اتفاق نظر دارند، «وابسته بودن ادراک به متن»<sup>۴</sup> است (هاگن‌دورف، کرومناکر، مولر و شوپرت<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱، ص ۱۹). وابستگی ادراک به متن بر تأثیر محرک‌های مجاور زمانی و مکانی بر نحوه ادراک دلالت دارد (گلدشتاین<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰، ۳۱۵). به عبارتی، کیفیت یا شدت هر نوع مفهومی<sup>۷</sup> همانند ارتفاع، سنگینی، سرعت، سکون، برودت، حرارت، جوانی، پیری، تأیید، تذکیر، بدی، خوبی، هدایت، ضلالت، رشد و انحطاط همواره به وجود و کیفیت محرک‌هایی وابسته است که به لحاظ زمانی و مکانی در مجاورت موضوع ادراک، که می‌تواند حتی خود فرد باشد، قرار دارند یا معیار قرار داده می‌شوند. یک ظرف آب می‌تواند یک بار خنک و بار دیگر گرم ادراک شود، با توجه به این که معیار، ظرف آب یخ (الف) یا آب جوش (ب) قرار داده بشود. یعنی ابتدا با دستمان، آب کدام ظرف را لمس کرده باشیم. منظور از اصطلاح «اثر متن»<sup>۸</sup> نیز تأثیر محیط‌های فیزیکی، هیجانی و اجتماعی در ادراک افراد است (سولسو<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵، ۲۸).

در طول تاریخ کوتاه روان‌شناسی، نظریه‌هایی، به‌طور خاص، به نقش مرجع نظام مرجع<sup>۱۰</sup>، یا اثر متن در عرصه‌های مختلف فرایندهای ذهنی و رفتاری پرداخته‌اند، همانند نظریه سطح سازش<sup>۱۱</sup>

- 1- refrenz
- 2- sensation and Perception
- 3- perception
- 4- context-contingent, context effects in perception
- 5- hagendorf, krummenacher, mueller, schubert
- 6- goldstein, bruce
- 7- concept
- 8- context effect
- 9- solso, Robert L.
- 10- bezugssystem (Reference system)
- 11- adaptation level theory

هلسون<sup>۱</sup>، نظریه اسنادی هیجان<sup>۲</sup> و اثر تغییر استاندارد<sup>۳</sup> (ماتسوموتو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹، ۱۴، ۱۰۴، ۶۱). بر اساس همین ویژگی ادراک، نه‌تنها کیفیت و میزان شدت مفاهیم بلکه، حتی، پیدایی و شکل‌گیری آن‌ها در تقابل با تفاوت‌ها (حضور یک معیار) شکل می‌گیرد و نه در انزوا و فضای مجرد. مفهوم جنسیت زمانی درک‌پذیر می‌شود که علاوه بر جنس مذکر، مؤنث هم وجود داشته باشد و مفهوم نژاد سفید نیز در مقابل نژادی با رنگ دیگر شکل می‌گیرد. به این قانون ادراک، درنهایت ایجاز و سادگی، در آیه ۱۳ سوره حجرات<sup>۵</sup> اشاره شده است.

به کلام تخصصی‌تر باید گفت پاسخ به سه تکلیف اصلی ادراک انسان همواره به انتخاب معیار (مرجع، هنجار) بستگی دارد. سه تکلیف اصلی ادراک انسان عبارت است از: ۱- بازشناسی<sup>۶</sup>: پاسخی به چیستی (اشیاء) یا کیستی (افراد). این شیء چیست (ماهیت شیء)، این فرد کیست، من کیستم (هویت فرد). ۲- مکان‌یابی<sup>۷</sup>: پاسخ به کجایی شیء یا فرد. این شیء کجا قرار دارد؟ من کجا قرار دارم؟ دیگری کجا قرار دارد؟ هم به لحاظ مکان و موقعیت جغرافیایی و هم به لحاظ اعتقادی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی (همانند اردوگاه، جبهه، حزب، طبقه و پایگاه). ۳- ثبات ادراکی<sup>۸</sup>: پاسخ به این پرسش که آیا این همان شیء آشناست (ثبات شیء). آیا من همانم؟ آیا او همان است؟ که به معنای ثبات در ماهیت خود فرد و دیگران، با وجود تغییر تصویر و ویژگی و حالات آنان و با وجود تغییر شرایط و تحول است (اتکینسون<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۰، ترجمه برهنی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۹).

بر اساس قانون وابستگی ادراک به متن، که توضیح داده شد، در حوزه ارتباطات انسانی، معیار یا همان هنجار شامل دو مورد است: الف: همه متن‌های اجتماعی (با گرایش‌های خاص فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و غیره) و ب: افرادی (سرمشق‌ها، ستارگان، قهرمانان، محبوب‌ها و معبودها)، که پاسخ به پرسش‌های اصلی ادراک یعنی ماهیت، کجایی و ثبات ماهیت بر اساس آن تعیین می‌شود. نوع متن انتخاب شده به عنوان مرجع، تأثیر دارد بر نحوه ۱- بازشناسی (تعیین ماهیت): با توجه به

- 1- helson, Harry
- 2- attribution of emotion
- 3-change-of-standard effect
- 4- matsumoto, david

۵- یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ... (حجرات، ۱۳).

- 6- object recognition
- 7- spatial localization
- 8- perceptual constancy
- 9 -atkinson, Rita et. al.

اهمیت هیجان‌ها در شکل‌گیری و کنترل رفتار انسان، تعیین ماهیت همواره همراه با لمس هیجان‌هایی همانند حس کراهت، نفرت، جذب و خوش آمدن، تحقیر، تحسین، تحجر، تجدد، افتخار، سرافکندگی و تمامی حالات دیگر بروز می‌کند و در بسیاری موارد بعد هیجانی آن غلبه بر جنبه شناختی دارد. ۲- قضاوت: نوع متن انتخاب شده همچنین بر نحوه پاسخگویی به تکلیف مکان‌یابی، یعنی کجایی اثر دارد. همانگونه که در ادامه در ارتباط با مؤلفه‌های هنجارها توضیح داده خواهد شد، کجایی همواره با توجه به میزان فاصله از معیار تعیین می‌شود و به همین دلیل مبدل به یک قضاوت در قالب‌های تمایز بین دوست، دشمن، خودی، غریبه، فرصت، تهدید، اهم، غیراهم، کامل، ناقص، بیمار، سالم درباره اشیاء، افراد دیگر، خود فرد، و درباره باورها، اعتقادات، فرهنگ‌ها، گروه‌ها، کتاب‌ها و ارزش‌ها می‌شود. از این‌رو، انتخاب معیارها برای فرد و جامعه سرنوشت‌ساز است. اهمیت انتخاب مرجع و معیار در قالب همنشین برای سرنوشت افراد و اقوام در آیه ۲۵ سوره فصلت<sup>۱</sup> آمده است. این آیه، علاوه بر اهمیت نقش مرجع در نحوه ارزیابی و قضاوت، به نکته‌ای قابل تأمل یعنی تأثیر هنجار در عمل نیز اشاره دارد. بر اساس این آیه، انتخاب هنجار بر ارزیابی و قضاوت افراد درباره «شرایط کنونی» ای که در آن قرار دارند و پیش‌بینی «چشم‌اندازی که در انتظار آنهاست» اثر دارد. بی‌شک، وقتی این ارزیابی و قضاوت مثبت و رضایت‌بخش باشد و شرایط در چشم افراد «زیبا جلوه کند»، دیگر نیازی به تغییر و اصلاح، و شنیدن نقدها و نصایح احساس نمی‌شود و به همین دلیل فرد به اشتباه فکر می‌کند که آینده‌ای درخشان در انتظار اوست. به عبارت دیگر، براساس نظر قرآن، دامنه انتخاب نوع مرجع فراتر از تأثیر در ادراک و قضاوت‌های اکنون افراد است؛ زیرا ادراک و قضاوت اکنون اساس و مبنای پیش‌بینی‌های آینده قرار می‌گیرد و از این طریق در سیر تحول افراد و جوامع نیز تأثیر دارد.

نکته دیگری که از بررسی مفهوم هنجار و نقش آن در عمل و تحول انسان به دست می‌آید این است که هنجار در هر شکل و قالبی منبع «نقش منبع هدایت را ایفا می‌کند» عمل و سیر تحول انسان است. به عبارتی، دو کارکرد ۱- درک و ارزیابی وضعیت و عمل (بازشناسی) و ۲- تشخیص میزان انحراف از معیار یا همان قضاوت (مکان‌یابی و ثبات ادراکی) اساساً با هدف نهایی یعنی ۳- هدایت عمل و سیر تحول فردی و اجتماعی در مقایسه با آن مرجع (به سمت یا در جهت خلاف آن) انجام می‌شود. بر این اساس بدیهی است که با تغییر هنجارها نتایج پاسخگویی دستگاه ادراکی انسان به سه

۱- وَ قَيِّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدَحَتْ مِنَ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (فصلت، ۲۵)

تکلیف اصلی آن یعنی درک ماهیت (بازشناسی)، تشخیص میزان انحراف از معیار (قضاوت) و هدایت عمل و سیر تحول فردی نیز تغییر می‌یابد. با تغییر معیارها و هنجارها حتی مفاهیم به‌ظاهر باثباتی مانند جنسیت به‌تدریج نیز تغییر می‌کند. به‌طور مثال با ورود زنان به ورزش‌های خشن و مردانه مثل راگبی، بوکس، فوتبال یا بسکتبال، که مستلزم ویژگی‌هایی همانند جسارت، خشونت، حمله، نیرو و سلطه است، به‌تدریج بحث «تعارض نقش جنسیت»<sup>۱</sup> در بین ورزشکاران زن، در بیشتر کشورهای دنیا، تبدیل به یک موضوع چالش برانگیز شده است (الیسون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱، ۵۲؛ سیج و لودرمیلک<sup>۳</sup>، ۱۹۷۹، ص ۹۱؛ وتزیگ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰، ص ۳۶). بر اساس پژوهش لیوو، رچلن و موهر<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) بیشتر مشارکت‌کنندگان ورزشی زن، تعارض نقش جنسیت را احساس می‌کنند (تغییر در بازشناسی). همچنین نتایج برخی پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهند که ورزشکاران زن، درک متفاوتی از نقش (به‌نجار) زنانگی در مقایسه با زنان غیرورزشکار دارند (تغییر در قضاوت) (میلر و لوی<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶). منظور از تعارض نقش جنسیت، تجربه حس تعارض ناشی از تخطی از هنجارهای سنتی نقش جنسیت زنانگی<sup>۷</sup> است (بیم<sup>۸</sup>، ۱۹۹۳، ص ۶۷). تعارض نقش جنسیتی تبعات منفی متعددی برای زنان ورزشکار دارد همانند تعارض با والدین و همسران و حتی تردید درباره «جهت‌گیری رابطه جنسی»<sup>۹</sup> که بواسطه این تردید در برخی موارد حتی به فروپاشی خانواده می‌انجامد (تغییر در هدایت عمل) (لنسکی<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۹، ص ۱۷۲).

## ۲- هنجارها مبنای تمایز و هدایت عمل فردی و اجتماعی

مؤلفه‌های مشترک همه هنجارها عبارت است از: وضعیت یا نحوه کارکرد مطلوب و ایدئال (معیار)، و درجات مختلف انحراف از معیار که بخشی از آن «دامنه مجاز انحراف از معیار»<sup>۱۱</sup> یا «دامنه تحمل» را می‌سازد. این دامنه طبقه به‌نجار را تشکیل می‌دهد و هر آنچه خارج از این دامنه قرار بگیرد، وارد طبقه

- 1- gender role conflict
- 2- alison
- 3- sage & loudermilk
- 4- wetzig
- 5- rochlen, liu & mohr JJ.
- 6- miller, J.L. & levy G.D.
- 7- feminine
- 8- bem
- 9- sexual orientation
- 10- lenskyi
- 11- tolerance

ناپهنجار می‌شود. به لحاظ گستردگی دامنه تحمل، بین هنجارها تفاوت وجود دارد و می‌توان بر روی یک پیوستار، از کاملاً انعطاف‌ناپذیر تا کاملاً منعطف، هنجارها را درجه‌بندی کرد. یکی از ویژگی‌های هنجارهای انعطاف‌ناپذیر، با دامنه تنگ تحمل، اعلام سریع خطاست و این که در صورت انحراف از معیار فرد متحمل پیامدهای سنگین می‌شود. غلبه اضطراب (مورشیتسکی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹، ص ۱۱۰)، سطح بالاتری از هشیاری و کنترل ارادی (پایک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰، ص ۲۱۳) و در نتیجه غلبه گرایش پرهیز از خطا (ترمز و توقف) و غلبه انگیزش اجتنابی در عمل افراد نتایج دامنه بسیار تنگ تحمل خواهد بود. برعکس، پیامد هنجارهای با دامنه بسیار گسترده انحراف مجاز از معیار، که به ندرت اعلام خطا و عدول می‌کند، کاهش اضطراب، کاهش هشیاری، کاهش سطح کنترل ارادی، غلبه انگیزه اشتیاقی و سرکشی، و بی‌توجهی به حدود و حرمت‌ها (معیارها و هنجارها) است. مؤلفه مشترک دیگر شامل پاسخ‌های متفاوت به رعایت‌کردن یا رعایت‌نکردن معیار و دامنه تحمل است (زندکولر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰، ص ۲۷۲). که با توجه به میزان گستردگی دامنه تحمل فرق می‌کند. بدین ترتیب، چهارمین مؤلفه مشترک همه هنجارها این است که هر هنجاری مبنای تمایز بین مقبول و نامقبول، حسن و قبح، خیر و شر، رشد و انحطاط، آسیب و سلامت در بیانی عام، مبنای تعیین بهنجاری و ناپهنجاری، و مبنای هدایت عمل و سیر تحول در مقایسه با آن مرجع به سمت آن (بهنجار) یا در فاصله گرفتن از خلاف آن (ناپهنجار) است.

بر همین اساس، هر فرد و گروه اجتماعی در حین عمل در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی مانند تعلیم، تربیت، اصلاح و درمان، ناگزیر از انتخاب هنجار است. یک مربی بدون دست داشتن معیار هرگز نمی‌تواند افعال آموزشی و تربیتی خود را منسجم و هدفمند هدایت کند. بدون در نظر داشتن یک هنجار مداخلات یک روان‌درمانگر نیز منسجم و هدفمند نخواهد بود و نمی‌داند، در جریان مداخلاتش، درمانجو را به‌سوی کدام وضعیت می‌خواهد سوق بدهد. در نتیجه، انتخاب هنجار مبنای هدایت عمل و سیر تحول انسان در سطح فردی و اجتماعی است. با انتخاب نوع هنجارها، مبنایی برای تعریف ویژگی‌های بهنجاری و ناپهنجاری برای یک جامعه انتخاب می‌شود که تحقق آن توسط نهادهای اجتماعی در محیط‌های خانوادگی، آموزشی، درمانی و از طریق سیاست‌گذاری‌های کلان سیاسی و اجتماعی-فرهنگی دنبال می‌شود. مصداق‌های بهنجاری مورد تأیید، تکریم و تصویب قرار می‌گیرند و خلاف آن مطرود شناخته می‌شود و در تعاملات و ارتباطات

1- morschitzky, hans

2- payk, theo R.

3- sandkuehler, hans joerg



اجتماعی توسط افراد و نهادها مورد تحقیر، تحریم و تهدید قرار می‌گیرد و در صورت امکان شامل اصلاح و تغییر می‌شود.

بر اساس مطالعات گسترده متفکر و فیلسوف فرانسوی، ژرژ کان‌گیلم<sup>۱</sup> (۱۹۹۱)، درباره مفهوم هنجار و آسیب که از معتبرترین آثار در این باره است، از قرن هجدهم میلادی، بهنجار و نابهنجار تبدیل به مفاهیم کلیدی علوم انسانی شده‌اند و از طریق نهادهای تربیتی و درمانی اهمیت کاربردی بسیار بالایی پیدا کرده‌اند (زندکولر، ۲۰۱۰، ص ۲۷۰۹). از نظر فیلسوف معاصر آلمانی، ویلفویر<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در مکالمات روزمره مردم، واژگان مرتبط با مفهوم هنجار همانند، بهنجار، انحراف، طبیعی و معمول تبدیل به مهم‌ترین مقوله‌ها شده و بالاترین جایگاه را به خود گرفته و مرجعی مهم برای تصمیم‌ها و قضاوت‌ها شده است.

اگرچه مطالعات تحلیلی میشل فوکو<sup>۳</sup> (لینک، ۱۹۹۸) درباره قدرت، که یکی از اندیشه‌های پرنفوذ درباره نقش هنجار و مفاهیم بهنجار و نابهنجار به‌شمار می‌آید، نگاهی صرفاً منفی به این موضوع دارد، اما به هر حال اشاره به اهمیت هنجار برای سرنوشت یک جامعه و افراد آن دارد. براساس نظر فوکو هر جامعه‌ای به هنجاری کردن فضای اجتماعی خود، از طریق تفکیک بهنجار از نابهنجار، تمایل دارد تا فضایی همگن و سلسله‌مراتبی ایجاد شود. در برابر این هنجاری کردن فضای اجتماعی، افراد بین دو گرایش هم‌نوایی<sup>۴</sup> یا واگرایی<sup>۵</sup> و انحراف<sup>۶</sup> (از معیار) دست به انتخاب می‌زنند و بدیهی است که سیر تحول شکل‌گیری فردیت افراد از این طریق محدود می‌شود. به همین دلیل، وی معتقد است که هنجاری کردن فضای اجتماعی، از قرن هجدهم، به‌مثابه ابزاری قدرتمند در دست نظام‌های سیاسی به‌منظور هدایت نفوس و جمعیت‌ها بوده است. بر این اساس، گفتمان بهنجاری باید در چارچوب گفتمان قدرت مطالعه شود.

از اظهارات فوکو می‌توان نتیجه گرفت که ترویج سازمان‌یافته هنجارهای یک جامعه در جوامع و حوزه‌های فرهنگی دیگر مؤید اهمیت نقش هنجارها و کارایی به‌کارگیری این ابزار مهم قدرت برای هدایت و مهار اعمال افراد و جوامع دیگر است. به ویژه می‌توان به هدایت الگوی زندگی و به تبع آن الگوی مصرف همچنین الگوی روابط بین جنس‌ها اشاره کرد. بدیهی است از این طریق زاد و ولد،

1-anguilhem, georges

2-wildfeuer, armin G.

3-foucault M.

4-link, J.

5-conformity

6-devianz, deviation

ساختار خانواده و الگوی تربیت نیز مهار و هدایت می‌شوند. ترویج سازمان‌یافته هنجارها در جوامع و حوزه‌های فرهنگی دیگر، تحول افراد را به سوی اهداف و آرمان‌های مبتنی بر هنجارهای بیگانه هدایت می‌کند و بدین ترتیب تحولات اجتماعی - سیاسی قابل کنترل می‌شوند.

### ۳- اعتبار و ثبات هنجار

کارکردهای سه‌گانه هنجار ایجاب می‌کند که کلیدی‌ترین مؤلفه هر هنجار «اعتبار» و ثبات آن در طول زمان و مکان باشد. به عبارتی هدایت موفق عمل و سیر تحول فردی و اجتماعی منعکس کننده مهم‌ترین ویژگی هر هنجار کارآمد یعنی ثبات آن در طول زمان است. هنجارهای نامعتبر یا بی‌ثبات به لحاظ کارکردهای سه‌گانه نمی‌توانند کارآمد باشند. مرور اجمالی منابع مرتبط با موضوع هنجارها مانند هنجارهای قانونی، اخلاقی و اجتماعی نیز نشان می‌دهد که از مباحث اصلی این حوزه موضوع اعتبار و اعتباربخشی هنجارهاست (ویر، ۱۹۷۶، ۱۸۲؛ هابرماس<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳، ۱۶۶-۱۷۳؛ آپل<sup>۳</sup>، ۱۹۸۱، ص ۴۲۱-۴۱۶).

واژه اعتبار در زبان فارسی و معادل‌های آن در زبان آلمانی<sup>۴</sup> و در زبان انگلیسی<sup>۵</sup> نه تنها از واژگان چندمعنایی محسوب می‌شود، بلکه به ویژه در فلسفه به صورتی مبهم و غیردقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد (زندکولر، ۲۰۱۰، ص ۱۲۶۳). واژه اعتبار در سه زبان فارسی (دهخدا، ۱۳۷۷)، آلمانی (دروس‌دوسکی<sup>۶</sup>، ۱۹۸۸؛ واریش<sup>۷</sup>، ۱۹۸۱) و انگلیسی (فرهنگ لغت پیشرفته کمبریج<sup>۸</sup> و آکسفورد<sup>۹</sup> پنج گروه معنا را دربرمی‌گیرد: ۱- مقام، قدر، ارزش و منزلت<sup>۱۰</sup> (اعتبار فردی)؛ ۲- قوت قانونی<sup>۱۱</sup>، قضایی و اجرایی (از جمله اعتبار در نزد بانک)؛ ۳- سندیت و صحت اشیاء و اسناد حکومتی مانند سکه، اسکناس، شناسنامه، قراردادهای و

1-weber

2- habermas, J.

3- apel, k., o.

4- gueltigkeit (خوانده می‌شود: گولتیش کایت)

5- validity

6- drosdowski,gunther

7- wahrig, gerhard

8- cambridge advanced learner's dictionary

9- oxford advanced Learner's dictionary, 8th Edition

10- german: Anerkennung, ansehen; English:prestige, good reputation, be accepted, be acknowledged

11- force

قوانین (اعتبار قانونی)<sup>۱</sup>، ۴- پابندی به قول و قرارها (اعتبار تعهدات شفاهی)؛ ۵- برابر یا منطبق با حقیقت یا واقعیت<sup>۲</sup> (اعتبار فلسفی و علمی).

هر چند معانی مختلف واژه اعتبار، در نگاه اول، خیلی مرتبط با یکدیگر به نظر نمی‌رسد، اندکی دقت در آن‌ها، از منظر «کارکردشان» برای هدایت عمل و تحول انسان، وجه اشتراک همه این معانی و علت اهمیت مؤلفه اعتبار برای هر هنجار را روشن‌تر می‌کند. وجه اشتراک معانی مختلف واژه اعتبار مفهوم «اطمینان و اعتماد به پیش‌بینی رخدادهای، اعمال و پیامدهای رعایت یا انحراف از هنجار» است. بدین ترتیب نقش هنجار برای ارزیابی، تمایز، قضاوت، هدایت عمل و سیر تحول در ارتباط تنگاتنگی با مفهوم امنیت و به عبارتی دقیق‌تر پیش‌بینی، کنترل برای جذب خیر، و دفع ضرر و شر قرار دارد. ورود یک بانک یا شریک تجاری برای امضاء یک قرارداد اقتصادی (هدایت عمل) درواقع به این معناست که بانک یا شریک تجاری براساس اعتبار (سندیت و صحت) برخی اسناد، یا اعتبار (ارزش و یا منزلت) یک فرد در عرصه تجارت به میزانی از اعتماد رسیده است که بااطمینان پیش‌بینی می‌کند فرد به تعهدات خود عمل خواهد کرد و در صورت پایبندنبودن به تعهدات با تکیه بر اعتبار (قوت و قدرت اجرایی) قوانین بانک در این رابطه اقتصادی متحمل ضرر نخواهد شد. اعتبار (برابری و انطباق با حقیقت یا واقعیت) حکم‌های علمی و فلسفی نیز به معنی اعتماد و اطمینان برای پیش‌بینی رفتار انسان و رخدادهای عالم طبیعت و جامعه و نتیجه آن ارزیابی، قضاوت و برنامه‌ریزی اعمال بر اساس این حکم‌ها است.

بر اساس آنچه گفته شد، اعتبار هر هنجار به معنای میزان اعتماد افراد به رابطه حاکم بر هنجار و پیامدهای ناشی از رعایت یا انحراف از آن، و همچنین اطمینانی است که افراد به پیش‌بینی‌های خود از رخدادهای، اعمال و سیر تحول‌ها بر این اساس می‌کنند. اعتماد و اطمینان البته از جنس دانستن (شناخت)<sup>۳</sup> نیست، بلکه از جنس باور<sup>۴</sup> است. در نتیجه، میزان اعتماد به هر هنجار صرفاً بر مبنای آگاهی افراد شکل نمی‌گیرد، بلکه باورهای ناشی از تجارب فردی، اجتماعی، تاریخی و باورهای فراتجربی درباره ساختار و نحوه کارکرد جامعه، عالم هستی و انسان نقش عمده‌ای در انتخاب نوع هنجارها و میزان اعتماد به آن‌ها دارد.

1- legal

2- german: wahrheit; english: truth, verity, reality

3- cognition

4-belief

ثبات (دوام، ازلی بودن) و تعمیم (جهان‌شمولی)<sup>۱</sup> اعتبار هنجارها موجب افزایش قدرت پیش‌بینی و توان برنامه‌ریزی، و به‌وجود آمدن اعتماد و اطمینان می‌شود؛ در نتیجه، احساس آرامش و امنیت در روابط انسانی به‌وجود می‌آید. برعکس، خدشه در ثبات و تعمیم اعتبار هنجارها در دو بعد زمان و مکان (تزلزل و تشتت و همچنین نسبی بودن آن‌ها)، احتمال حاکمیت تردید، سرگردانی و در نتیجه اضطراب و نگرانی را افزایش می‌دهد. زیرا پیش‌بینی اعمال، رخدادها و پیامدهای آن‌ها در آینده دشوارتر می‌شود و به همین دلیل هدایت عمل و تحول (اولویت‌بندی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی براساس پیش‌بینی آینده) سخت و حتی ناممکن خواهد شد. بی‌ثباتی مکان قطب‌های مغناطیسی کره زمین (معیار برای عمل ناوبری) یا تغییر مداوم وزن سنگ‌های کیلو (معیار برای عمل سنجش وزن) به سرگردانی در عرصه ناوبری و معاملات در بازار منجر می‌شود. بی‌ثباتی معیارها در عرصه‌های مختلف ارتباطات انسانی نیز پیامدهایی مشابه خواهد داشت.

#### ۴- آسیب هنجارها

منظور از آسیب هنجار شکسته شدن باور فرد یا افراد به کارآمدی یک هنجار خاص در سه کارکرد ارزیابی (تعیین ماهیت)، قضاوت (تمایز) و هدایت صحیح عمل و تحول است. در صورت آسیب‌رسیدن به یک هنجار خاص اعتماد و اطمینان فرد به پیش‌بینی‌های خود از رخدادها، اعمال و سیر تحول‌ها براساس آن هنجار شکسته می‌شود و حس توانایی پیش‌بینی و کنترل (امنیت) برای جذب خیر و دفع ضرر و شر جای خود را به استیصال و اضطراب می‌دهد.

نحوه شکل‌گیری آسیب هنجارها به سه شکل اصلی قابل دسته‌بندی است: ۱- از بین رفتن اعتبار هنجارها؛ ۲- ایجاد به‌عمد تردید درباره اعتبار هنجارها به‌عنوان ابزار قدرت و به‌منظور هدایت و مهار نفوس و گروه‌های اجتماعی؛ ۳- حضور هم‌زمان هنجارهای متناقض در اذهان و افعال افراد.

##### ۴-۱. آسیب از نوع از بین رفتن اعتبار هنجارها

از علت‌های ایجاد تردید درباره کارآمدی یک هنجار، به لحاظ ایجاد حس امنیت، از بین رفتن اعتبار هنجار به دلیل تجارب مکرر مستقیم یا غیرمستقیمی است که خلاف انتظارات و پیش‌بینی‌هاست. شاید بتوان ادعا کرد که مهم‌ترین عامل ایجاد تردید درباره کارآمدی هنجارها و از بین رفتن اعتبار آن‌ها، در عرصه ارتباطات و تعامل‌های اجتماعی و اقتصادی، پایبند نبودن به شکل‌های مختلف تعهدات

1- universal

است. زیرپانهادن هنجارهای قانونی، عرفی، اخلاقی و اجتماعی مانند قوت اجرایی قوانین یک جامعه، اعتبار صحت قضاوت، اعتبار سندیت اسناد و اشیاء دولتی، پایبند نبودن به قول و قرارها و تعهدات در روابط و تعاملات فردی، عاطفی، خانوادگی و در روابط بین جنس‌ها موجب حاکمیت تدریجی تردید، اضطراب و حس ناامنی در روابط و تعامل‌های اجتماعی، اقتصادی و فردی خواهد شد.

از برجسته‌ترین پیامدهای تعارض‌ها و مشاجره‌های بین والدین و یا بی‌ثباتی شخصیت آن‌ها شکسته شدن اعتبار و احترام هنجارهای تربیتی توسط خود والدین است. در غالب موارد اصلی‌ترین پیامد بی‌اعتبار شدن هنجارها شکل‌گیری اضطراب، افسردگی، سرگردانی و تردید در فرزندان است (باقری، ۱۳۹۲، ۲۵)؛ زیرا باور به اعتبار هنجارهای هدایت‌گر وضع شده از سوی والدین در نظام خانواده توسط خود آن‌ها در طی این حوادث در ذهن فرزندان فرو می‌پاشد.

از بین رفتن اعتبار، ارزش و منزلت یک فرد به دلایلی مانند ورشکستگی و مشاهده رفتارهای متناقض با انتظارات و پیش‌بینی‌ها، اعتبار ویژگی‌های او را به‌مثابه مرجعی برای ارزیابی، قضاوت و هدایت عمل اطرافیان خدشه‌دار می‌کند و اطرافیان در تعامل با او مردد و نگران خواهند شد.

## ۴-۲. آسیب از نوع ایجاد تعمدی تردید

ایجاد تردید همیشه براساس تجارب مستقیم و غیرمستقیم افراد ایجاد نمی‌شود، بلکه می‌تواند، به‌صورت عمدی و آگاهانه، از طریق رواج شایعه، دروغ، تکذیب‌های بی‌پایه و اساس، صحنه‌آرایی‌های کذب، استفاده ابزاری از اطلاعات شخصی و محرمانه و روش‌هایی از این دست ایجاد شود. استفاده از این ابزارها برای ایجاد به‌عمد تردید در جنگ‌های روانی، جنگ نرم، در تعارض‌های فردی، گروهی، قومی و در جنگ بین دولت‌ها کاربرد پیدا می‌کند و ابزار قدرتی برای هدایت و مهار نفوس و گروه‌های اجتماعی است. ایجاد تردید و کاهش اعتماد به پیش‌بینی‌ها، براساس اظهارات و ادعاهای نظام‌های حکومتی (به‌عنوان مرجع هدایت اعمال افراد و تحولات ملی)، زمینه را برای ارائه منابع اطلاعاتی (هنجارهای) جایگزین و به‌دست‌گرفتن هدایت اعمال و رخدادها هموار می‌سازد.

## ۴-۳. آسیب از نوع هنجارهای متعارض

مصرف هرگونه کالا و تولیدات علمی و فرهنگی که به‌ویژه، همراه با انقلاب رسانه‌ای (باتینیک و آپیل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸، ص ۸۲) شدت یافته و در دامنه، سرعت انتقال و نشر هنجارهای بیگانه تأثیر داشته است، هرگز به

1- batinic, bernad; appel, markus

جایگزینی کامل هنجارهای بومی توسط هنجارهای بیگانه نمی‌انجامد، بلکه زمینه‌ساز مشکل دیگری می‌شود و آن «حضور هم‌زمان هنجارهایی متعارض» در جامعه و اذهان و زندگی افراد است. در آیه ۲۹ سوره الزمر<sup>۱</sup> به حضور هم‌زمان دو یا چند هنجار و پیامدهای آن برای هدایت عمل انسان، که درک این مفهوم را سهل‌تر می‌کند، اشاره شده است. در این آیه، در مورد برابری دو نمونه سؤال می‌شود. مردی که فرمانبردار چند شریک مخالف است با مردی که صرفاً فرمانبردار یک نفر است.

با توجه به اهمیت نقش هنجار در هدایت عمل و تحول حیات فردی و اجتماعی، حاکمیت هم‌زمان هنجارهای ناهمخوان بر زندگی افراد یک جامعه راه را برای شکل‌گیری شکاف عمیق درون‌فردی و میان‌فردی هموار می‌سازد. این شکاف، در نوع عملکرد و سیر تحول افراد جامعه، «ازهم‌گسیختگی» در افراد و نظام اجتماعی است.

در سطح فردی، ازهم‌گسیختگی بیشتر در قالب شکل‌گیری هویت‌های فردی با گرایش‌های ناهمخوان و متعارض، و در نتیجه بروز رفتارهای متناقض، و اختلاف در اهداف و ارزش‌ها (شکاف درون‌فردی) متجلی می‌شود. با توجه به حضور هم‌زمان و پیرنگ هنجارهای دینی و لیبرالی در جامعه ایران در طول چند دهه گذشته تاکنون این پرسش مطرح می‌شود که تا چه میزان حضور هم‌زمان هنجارها موجب شکل‌گیری هویت‌هایی با گرایش‌های متعارض و ازهم‌گسیخته شده است، هویت‌هایی که هم‌زمان هنجارهای دینی مانند تقوی، حسن خلق، صبر، قناعت و هنجارهای لیبرالیستی مانند فردیت، خودخواهی، رقابت، مصرف و لذت را در خود دارند، بی‌آنکه به این ازهم‌گسیختگی آگاه باشند. پیامدهای عینی چنین سبک‌های هویتی برای هدایت عمل و سیر تحول فردی چیست و چه تفاوتی با هویت‌های یکپارچه دارد؟

در سطح اجتماعی، ازهم‌گسیختگی در قالب شکل‌گیری جریان‌های تندروی فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، با میزان زیادی از تعارض و تضاد، و در پی آن ایجاد تنش‌ها، و آشوب‌های سیاسی و اجتماعی (شکاف میان‌فردی) بروز می‌کند.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ارزیابی وضعیت‌ها و رخدادها، تمایز بین بهنجار و نابهنجار در قالب قضاوت‌ها، و همچنین پیش‌بینی رخدادها و اعمال افراد همواره مستلزم وجود هنجاری است که مرجع درک ماهیت‌ها و قضاوت درباره

۱- ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَكِّسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا

آن‌ها باشد. هدایت عمل و سیر تحول فردی و اجتماعی انسان نیز در مقایسه با آن هنجار (مرجع)، به سمت آن (بهنجار) یا در فاصله گرفتن از خلاف آن (ناپهنجار) صورت می‌پذیرد. این ویژگی در دستگاه ادراکی انسان و نحوه عملکرد آن ریشه دارد. کارکردهای سه‌گانه هنجار پاسخی به نیاز انسان برای امنیت است؛ یعنی پیش‌بینی صحیح و کنترل به‌منظور جذب خیر و دفع ضرر و شر.

اعتبار از مؤلفه‌های مهم هر هنجار است. اعتبار به معنای میزان اعتماد افراد به رابطه حاکم بر هنجار و پیامدهای ناشی از رعایت یا انحراف از آن، و همچنین اطمینانی است که افراد به پیش‌بینی‌های خود از رخدادهای اعمال و سیر تحول‌ها براساس این رابطه دارند. میزان اعتماد به هر هنجار صرفاً بر مبنای آگاهی (شناخت) شکل نمی‌گیرد، بلکه باورهای (فرا تجربی) ناشی از تجارب فردی، اجتماعی و تاریخی درباره نحوه کارکرد خانواده، جامعه، هستی و انسان نیز نقش عمده‌ای در انتخاب نوع هنجارها و میزان اعتماد به آن‌ها دارند.

انتخاب نوع هنجارها از طریق انتخاب متن‌ها یا الگوهای مختلف به‌ویژه سبک زندگی، اسطوره‌ها، ستارگان و معبودها صورت می‌گیرد. انتخاب نوع هنجارها و میزان اعتماد به آن‌ها، برای ادراک، نحوه ارزیابی و قضاوت فرد از اشیاء، از دیگران و از خودش، و همچنین برای حیات (عمل و تحول) هر فرد و هر جامعه سرنوشت‌ساز است و ابزار قدرتمندی برای هدایت و مهار نفوس و جوامع خودی و غریبه به‌شمار می‌رود.

مبنا قراردادن هر هنجار الزاماً به ارزیابی واقعی وضعیت‌ها، قضاوت صحیح میزان انحراف و هدایت موفق عمل فرد نمی‌انجامد. یکی از مشکلات اصلی انسان‌گزینش معیار و مرجعی است که ثمره آن ادراک صحیح از افراد و از خودش، اعمال آن‌ها و عمل خودش، و هدایت موفق عمل و تحول به‌سوی سرمنزل باشد و تعریف و تعیین این‌که اساساً سرمنزل (بهنجار) چیست. تاریخ جستجوی انسان برای یافتن هنجاری کارآمد در واقع تاریخ جستجوی عُرْوَةُ الْوُثْقَى<sup>۱</sup> (ریسمان استوار) است. فقدان چنین معیار و هنجاری در حیات انسان و به‌کارگرفتن معیارهای ناکارآمد و بی‌اساس می‌تواند موجب درک نادرست از وضعیت‌ها، ویژگی‌ها، افراد، رویدادها و اعمال، و درهم‌آمیختن مرزهای بهنجاری و ناپهنجاری، و حاکمیت تردید، نگرانی، آشفتگی و سرگردانی شود. به این ترتیب، حرص توسعه و امنیت نام می‌گیرد، خودخواهی خودشکوفایی خوانده می‌شود، بزن‌وبرویی، دروغ و کلاهبرداری به زرنگی تعبیر می‌شود، مصرف و رفاه با آرامش، لذت با شادی و اشرافیت با شرافت اشتباه گرفته می‌شود. همچنین در چنین حالتی تأهل و فرزندآوری رنگ تحجر و رکود می‌گیرد و مانع اصلی رشد فردی تلقی می‌شود، و

درنهایت باید شاهد فصل خزان و برگ‌ریزان خانواده‌ها، و وارد آمدن انواع آسیب‌ها به کودکان بی‌دفاع باشیم. از دیگر نمودهای چنین وضعیتی این است که همجنس‌گرایی به هویت جنسی بهنجار، و ازدواج و کفالت کودکان توسط آن‌ها به شکل جدید خانواده مقبول تبدیل می‌شود، تابویی که حتی کلیسای کاتولیک تاب مخالفت با آن را از دست می‌دهد. آسیب‌هنجارها به سه شکل اصلی قابل دسته‌بندی است: ۱- ساقط شدن اعتبار هنجارها و ۲- ایجاد عامدانه تردید نسبت به اعتبار هنجارها به عنوان ابزار قدرت و با هدف هدایت و مهار نفوس و گروه‌های اجتماعی و ۳- حضور همزمان هنجارهای متناقض در اذهان و افعال افراد.

تأمل درباره اهمیت نقش هنجار در زندگی انسان و تبیین این نقش بر اساس مدل کارکردهای سه‌گانه هنجار پرسش‌های متعددی را به وجود می‌آورد که پاسخگویی به آن‌ها، در قالب پژوهش‌های علمی، می‌تواند ما را به درک دقیق‌تر برخی پدیده‌ها یا رخدادها در محیط پیرامونمان نزدیک‌تر کند. برخی از این پرسش‌ها عبارت است از:

- ۱- برجسته‌ترین هنجارهای جامعه ایران که مبنای تمایز بهنجار و نابهنجار و هدایت‌گر حیات فردی و اجتماعی هستند، و در میان گروه‌های اجتماعی رواج و اعتبار دارند کدام‌اند؟
- ۲- آیا این هنجارها جدا از یکدیگر و به صورتی مستقل ایفای نقش می‌کنند یا، برعکس، ارتباط معنایی خاصی بین آن‌هاست و در بستر زمان به صورت جریان‌های فکری و فرهنگی خاصی جریان و ادامه حیات دارند؟
- ۳- خاستگاه هنجارهای موجود کجاست؟
- ۴- آیا ابداع هنجارها، اعتباردهی به آن‌ها و حذف آن‌ها برای مهار و هدایت نفوس، آن‌گونه که تفکر ماده‌گرایی ادعا می‌کند، به مدد فرهنگ‌سازی و فرایند جامعه‌پذیری<sup>۱</sup> تحت کنترل انسان‌ها (نهادهای اجتماعی، نظام‌های سیاسی، صنایع و همانند این‌ها) است؟
- ۵- تمایز هدایت و ضلالت، حسن و قبح و تمایزهایی از این دست در قرآن کریم و احادیث بر پایه چه معیار و هنجاری است؟
- ۶- در نگاه قرآن خاستگاه هنجارهای دین اسلام چیست و اعتبار خود را از کجا کسب می‌کند؟
- ۷- کدام نوع هنجارها آسیب‌پذیری بیشتری دارند؟
- ۸- آیا تفاوت‌های میان فردی در میزان آمادگی برای بروز تردید درباره هنجارها در فرایند جنگ نرم وجود دارد؟ به عبارتی آیا همه افراد در هنگام وقوع جنگ نرم به یک اندازه آسیب‌پذیر هستند؟



- علل آسیب‌پذیری یا استحکام و ثبات در مقابل این نوع جنگ چیست؟
- ۹- پیامدهای عینی و ملموس حضور هم‌زمان هنجارهای متعارض در زندگی فردی و اجتماعی افراد چیست؟ بر اساس کدام شاخص‌های عینی، هنجارهای همگن و هنجارهای متعارض در افراد به گونه معتبر و پایا قابل تشخیص است؟
- ۱۰- آیا در طول دوران تحول فردی هنجارهایی که در هر یک از مراحل رشد (نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و سالمندی) مبنای فرایند تمایز و هدایت قرار می‌گیرد، تفاوت وجود دارد؟ تفاوت وجود دارد؟ آیا بین نوع انتخاب‌ها در دوران مختلف ارتباط وجود دارد؟ هر یک از این پرسش‌ها می‌تواند مبنای پژوهش تحلیلی یا میدانی جداگانه‌ای قرار بگیرد.



## منابع

قرآن کریم، نسخه نرم‌افزای جامع‌التفاسیر ویراست ۲، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی  
اتکینسون (۲۰۰۰) *مقدمه‌ای بر روانشناسی*، ترجمه براهنی و همکاران (۱۳۸۵)، تهران، انتشارات رشد  
باقری، فریبرز (۱۳۹۲) *الگوی ارتباط والد - فرزند، مدل نظری فرزندپروری بر مبنای هستی و  
انسان‌شناسی اسلامی*، دوفصلنامه اندیشه‌ورزی در معارف اسلامی و علوم تربیتی، پاییز و زمستان،  
۱۳۹۱، ۵-۳۹

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران

- Allison, M.T. (1991), "Role conflict and the female athlete: Preoccupations with little grounding". *Journal of Applied Sport Psychology*, 3, 49-60
- Batinic, Bernad; Markus, Appel (2008). *Medienpsychologie*, Heidelberg: Springer Medizin Verlag
- Bem, S. L. (1993). *The lenses of gender, Transforming the debate on sexual inequality*. New Haven: Yale University Press
- Canguilhem, G., (1974), *Das Normale und das Pathologische*, Muenchen
- Goldstein, Bruce (2010), *Encyclopedia of perception*, California: SAGE Publications
- Habermas, J. (1983), *Diskursethik, Notizen zu einem Begründungsprogramm*. In: Ders., *Moralbewußtsein und kommunikatives Handeln*, Frankfurt, M
- Hagendorf, Herbert; Joseph, Krummenacher; Hermann-Josef, Mueller; Torsten, Schubert (2011), *Wahrnehmung und Aufmerksamkeit, Allgemeine Psychologie fuer Bachelor*, Berlin: Springer
- Lenskyi, H.J. (1999) Women, sport and sexualities: Breaking the silences. In White, P. & Young, K. (Eds.), *Sport and gender in Canada* (pp. 170-181), Ontario, Canada: Oxford University Press
- Link, J., (1998), *Von der Macht der Norm zum flexiblen Normalismus, Ueberlegungen nach Foucault*, In: Jurt, Joseph

- (1998), *Zeitgenoessische franzoesische Denker. Eine Bilanz*, Freiburg im Breisgau:Rombach
- Matsumoto, David (2009), *The Cambridge Dictionary of Psychology*: New York:Cambridge University Press
- Miller, J.L. &G.D.,Levy (1996), Gender role conflict, gender typed characteristics, self-concepts and sport socialization in female athletes and nonathletes. *Sex Roles*, 35, 111-122
- Morschitzky, Hans (2009), *Angsstoeurungen, Diagnostik, Konzepte, Therapie, Selbsthilfe*, Vierte Auflage, Wien:Springer Verlag.
- Payk, Theo R. (2010). *Psychopathology, Vom Symptom zur Diagnose*, Berlin:Springer Medizin
- Rehfus, Wulff D. (2003), *Handwoerterbuch Philosophie*, Goettingen:Vandenhoeck & Ruprecht
- Rochlen, Liu &JJ.,Mohr (2005).“Real and ideal gender role conflict: Exploring psychological distress among men”.*Psychology of Men & Masculinity.*;6:137–148
- Sage, G.H. &S. Loudermilk (1979), The female athlete and role conflict.*Research Quarterly*, 50, 88-96.
- Sandkuehler, Hans Joerg (2010), *Enzyklopaedie Philosophie*. Hamburg:Felix Meiner
- Sohst, Wolfgang (2010). *Die Kleine Routledge Enzyklopaedieder Philosophie*, xenomoi Verlag, Berlin.
- Solso, Robert L. (2005), *Kognitive Psychologie*. Springer Medizin Verlag Heidelberg
- Weber, M. (1976). *Wirtschaft und Gesellschaft*, Tuebingen.
- Wetzig, D.L. (1990), Sex-role conflict in female athletes: A possible marker for alcoholism. *Journal of Alcohol and Drug Education*, 35, 35-45
- Wildfeuer, Armin G.(2007), "Normalitaet" und "Menschenbild". Ueberlegungen im Kontext der Bestimmung des Begriffs "Behinderung", in: F. Eller u. A. G. Wildfeuer (Hrsg.): Problemkontexte kindlicher Entwicklung, Muenster 2007, 319-340